

Representation of the position of the people in the victory process of the revolution from the beginning to before the uprising on the 9th of December (content analysis of Savak and Shahrabani documents)

Hoseinali. Ghorbani^{1*}

1. PhD candidate in Islamic Revolution History, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: hoseinalighorbani@gmail.com Received: 25.02.2022 Acceptance: 04.06.2022

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294
<http://spsich.iranmehr.ac.ir>
Vol. 1, No 2, Pp: 53-74
Summer 2022

Original research article

How to Cite This Article:

Ghorbani, H. (2022). Representation of the position of the people in the victory process of the revolution from the beginning to before the uprising on the 9th of December (content analysis of Savak and Shahrabani documents), *spsich*, 1(2): 53-74.



© 2022 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

The participation of different strata of people is one of the most fundamental issues of the revolution, especially among the fourth generation thinkers of revolution theories. People are one of the main pillars of any revolution, and if they don't show a desire to accompany the revolution, a revolution usually doesn't happen. Iran's Islamic Revolution, which claims to be the most popular revolution in the world, needs a detailed quantitative and qualitative analysis to better explain the importance of this issue. Most of the research about the presence of different strata of people in the Islamic Revolution is mostly limited to the last decade of the second Pahlavi era, especially the years 1977 and 1978. The second point is that this qualitative and quantitative information about the participation of different classes of people is based on the statistics obtained from demonstrations and marches. Therefore, the role of the people in the years 1963 to 1967 has been neglected, and the documents, which are among the main and documented sources of the Islamic Revolution, have not been paid attention to. Based on this, the main question of the current research is how and to what extent the Iranian people laid the foundations of the Islamic Revolution and continued the struggle in the 1960s and early 1970s.

Keywords: Popular strata, Islamic Revolution, SAVAK documents, Shahrabani documents.

بازنمایی جایگاه اقشار مردمی در روند پیروزی انقلاب از آغاز تا پیش از قیام ۱۹ دی (تحلیل محتوای اسناد ساواک و شهربانی)

حسینعلی قربانی*

۱. دانش آموخته دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶ | پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۴ | ایمیل نویسنده مسئول: hoseinalighorbani@gmail.com

چکیده

مشارکت اقشار مختلف مردم، یکی از اساسی‌ترین مسائل انقلاب، به ویژه نزد اندیشمندان نسل چهارم نظریه‌های انقلاب است. مردم در هر انقلابی، یکی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شوند و چنانچه تمایلی به همراهی با انقلاب نشان ندهند، معمولاً انقلابی رخ نمی‌دهد. انقلاب اسلامی ایران نیز که داعیه‌دار مردمی‌ترین انقلاب در جهان است، نیازمند یک بررسی دقیق کمی و کیفی است تا میزان اهمیت این موضوع بهتر تبیین شود. بیشتر تحقیقات درباره حضور قشرهای مختلف مردم در انقلاب اسلامی، بیشتر به دهه پایانی عصر پهلوی دوم، به ویژه سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ محدود شده است و نکته دوم اینکه همین اطلاعات کمی و کیفی از نحوه مشارکت طبقات مختلف مردم، بر اساس آمار و ارقامی است که از تظاهرات و راهپیمایی‌ها بدست آمده است، بنابراین هم نقش مردم در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ مغفول مانده و هم به اسناد که جزو منابع اصلی و مستند انقلاب اسلامی است، توجهی نشده است. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که کدامیک از اقشار مردم ایران چگونه و به چه میزان پایه‌های انقلاب اسلامی را بنا کرده و در ۱۳۴۰ و سال‌های آغازین ۱۳۵۰، مبارزه را ادامه دادند.

کلیدواژه‌ها: اقشار مردمی، انقلاب اسلامی، اسناد ساواک، اسناد شهربانی.

فصلنامه علمی مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴
<http://spsich.iranmehr.ac.ir>
دوره ۱ | شماره ۲ | صص ۷۴-۵۳
تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(قربانی، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

قربانی، حسینعلی. (۱۴۰۱). بازنمایی جایگاه اقشار مردمی در روند پیروزی انقلاب از آغاز تا پیش از قیام ۱۹ دی (تحلیل محتوای اسناد ساواک و شهربانی). مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۱(۲): ۷۴-۵۳.

مقدمه و بیان مسئله

از اساسی‌ترین مسائل در حوزه‌ی انقلاب، به ویژه نزد اندیشمندان نسل چهارم نظریه‌های انقلاب، حضور و مشارکت انقلابی افشار مختلف مردم است. آنان بر این عقیده‌اند که همه جنبه‌های یک انقلاب از قبل به وسیله‌ی عوامل اجتماعی کلان و ساختاری تعیین نمی‌شوند، بلکه تصمیمات بازیگران کلیدی و یا کارگزاران، بر امکان موفقیت و چگونگی تحول انقلاب تأثیر می‌گذارد. (گلدستون، ۱۳۹۲: ۲۸) اصولاً در بررسی انقلاب‌ها از منظر کارگزاری، مطالعه دو عامل اساسی انقلاب یعنی رهبری و مردم از اهمیت زیادی برخوردار است. به استثنای کودتاهای نظامی که به دست معدودی از نظامیان صورت می‌گیرد، در بقیه تحولات سیاسی - اجتماعی نقش مردم به صورت بارز و آشکار مشاهده می‌شود. مردم در هر انقلابی، یکی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شوند و چنانچه تمایلی به همراهی با انقلاب نشان ندهند، معمولاً انقلابی رخ نمی‌دهد. انقلاب اسلامی ایران نیز که داعیه‌دار مردمی‌ترین انقلاب در جهان است، نیازمند یک بررسی دقیق کمی و کیفی است تا میزان اهمیت این موضوع هر چه بهتر تبیین شود.

اکثر تحقیقاتی که در زمینه حضور طبقات اجتماعی در انقلاب اسلامی نگارش یافته، بیشتر به دهه پایانی عصر پهلوی دوم و به ویژه سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ محدود شده است و نکته‌ی دوم اینکه همین اطلاعات کمی و کیفی از نحوه مشارکت طبقات مختلف مردم بر اساس آمار و ارقامی است که از تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها بدست آمده است و همان‌گونه که دیده می‌شود به استثنای قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و برخی تظاهرات محدود، سایر راهپیمایی‌ها مربوط به اواخر سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ است. برای نمونه: احمد اشرف و علی بنو عزیزی در کتاب «طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب»، تحلیل کمی از تظاهرات‌ها بدست داده‌اند. (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۸۶: ۱۱۲) همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این آمار کمی از تظاهرات‌هایی استخراج شده که به سال پایانی حکومت پهلوی اختصاص دارد و تفاوت آن با مقاله حاضر هم در منبع (اسناد) و هم در دوره زمانی آن می‌باشد. به اعتقاد آنان پیشتازی، رهبری و چهارچوب ایدئولوژیک و حمایت مالی جنبش انقلابی در دست سه قشر

زیر بود: ۱- روشنفکران جوان (نویسندگان، حقوقدانان، دانشجویان و...) ۲- روحانیون مبارز، ۳- نسل جوان تر بازاریان. همچنین محمد رحیم عیوضی در اثرش «طبقات اجتماعی و رژیم رضا شاه»، بدون تحلیل و ارائه آمار کمی، طبقه متوسط جدید را از جمله مخالفان رژیم معرفی می کند. (عیوضی، ۱۳۸۰: ۳۰۸)

بنابراین و با توجه به گفته های پیشین، مسئله ی اصلی پژوهش حاضر این است که کدامیک از اقشار مردم ایران چگونه و به چه میزان در همراهی با بنیان گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) پایه های انقلاب اسلامی را بنا کرده و در ۱۳۴۰ و سال های آغازین ۱۳۵۰ که مخوف ترین دوره ی حاکمیت پهلوی دوم بود، مبارزه را ادامه داده و طلایه دار مبارزات انقلابی بوده اند.

این پژوهش سعی دارد با استفاده از روش تحلیل محتوا (content analysis) اسناد منتشر شده شهربانی (۵ جلد) و اسناد ساواک (مجلدات ۹ تا ۱۵ موضوعات مرتبط با گروه های مردمی) را مورد تجزیه و تحلیل کمی و نهایتاً کیفی قرار دهد. بر مبنای این روش، موارد کد گذاری شده با استفاده از برنامه کامپیوتری Excel و نرم افزار Spss احصاء شده و جداول و نمودارهای مورد نیاز استخراج می شود.

بر این اساس پرسش های تحقیق به ترتیب عبارتند از: ۱- اقشار و طبقات مختلف اجتماعی چگونه در روند پیروزی انقلاب اسلامی نقش ایفا کردند؟ ۲- هر کدام از اقشار و طبقات اجتماعی به چه میزان در روند پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشتند؟

روش شناسی پژوهش

از آنجا که هدف این پژوهش، توصیف و به بیان دیگر پاسخ به پرسش چگونگی است و به بازنمایی حضور اقشار مختلف مردمی در روند پیروزی انقلاب اسلامی را می پردازد، تحقیقی توصیفی به شمار می آید و شامل توصیف دقیقی از گروه های مردمی است که در نهضت امام خمینی از سال ۱۳۴۲ یا کمی پیشتر، از سال ۱۳۴۱ ایشان را همراهی کرده اند.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را ۵ جلد «اسناد شهربانی» تهران و همچنین ۴ جلد اسناد کتاب «سیر مبارزات امام خمینی» مجلدات ۹ تا ۱۳ تشکیل می دهد. به

دلیل اینکه این ۴ جلد مرتبط با گروه‌های مردمی است، از دوره بیست جلدی مبارزات امام به روایت اسناد ساواک انتخاب شده است. دوره زمانی پژوهش نیز از سال ۱۳۴۱ تا قبل از قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ می‌باشد، چرا که پس از این قیام، تمامی اقشار جامعه در کنار هم به مبارزه با حکومت پهلوی پرداختند. در مجموع قریب ۱۸۰۰ سند خوانده شد و مواردی از اسناد این دو مجموعه که همپوشانی داشت، محاسبه نشد.

موارد کد گذاری

اقشار مختلف مردم در این پژوهش به این چند گروه تقسیم شده‌اند: جامعه روحانیت: (مراجع تقلید، بدنه روحانیت)، بازاری ها، دانشجویان، کارمندان دولت، کارگران، دانش آموزان، کشاورزان، زنان و ورزشکاران. برای عینی سازی بیشتر و احصای دقیق‌تر اسناد، هر کدام از این مفاهیم به چند زیر شاخه تقسیم بندی شد: مراجع تقلید: آیت الله، اسامی خاص مراجع. بدنه روحانیت: شیخ، واعظ، مدرسه علمیه، امام جماعت، روحانی، طلبه. بازاری: تاجر، کسبه، پیشه ور، بازاری و اسامی مشاغل آزاد همچون آهنگر، نانوا، خواروبار فروش، کارمندان دولت: استادان، معلمان و کارگران: کارگر، شاگرد، شوfer، دستفروش. نامشخص: به مواردی در این مقاله اطلاق شده است که هیچ یک از کدگذاری‌های صورت گرفته در اسناد وجود نداشته است، اما از متن سند برمی‌آید که شخصی فعالیتی علیه حکومت پهلوی انجام داده است. این موارد معمولاً با تیترویز عکس، رساله، مهر، نوار و اعلامیه امام خمینی (ره)، جمع آوری پول در اسناد مشخص شده است. برای مثال این سند ساواک: «عنوان: نوار سخنرانی خمینی. متن سند: طبق اطلاع رسیده، چند روز قبل نوار سخنرانی خمینی که در نجف الاشرف صحبت کرده، وسیله عوامل خود که به طور قاچاق به عراق مسافرت کرده بودند، به تبریز وارد و به آقای سید محمد علی قاضی طباطبایی تحویل نموده‌اند». (سیر مبارزات امام خمینی در آئینه اسناد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳، ج ۱۱: ۲۹۶) نمونه دیگر از اسناد شهربانی: «عنوان: پخش تراکت. متن: یک برگ تراکت تحت عنوان «ملتی که مرجع تقلید و رهبر عظیم الشان خود را در تبعید ببیند هرگز فکر آشتی

و سازش با مسببین این جنایت را به مغز خود راه نمی دهد» که وسیله دفتر اطلاعات منطقه ۲ به دست آمده، به پیوست ایفاد می گردد» (امام در آینه اسناد، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۸۹)

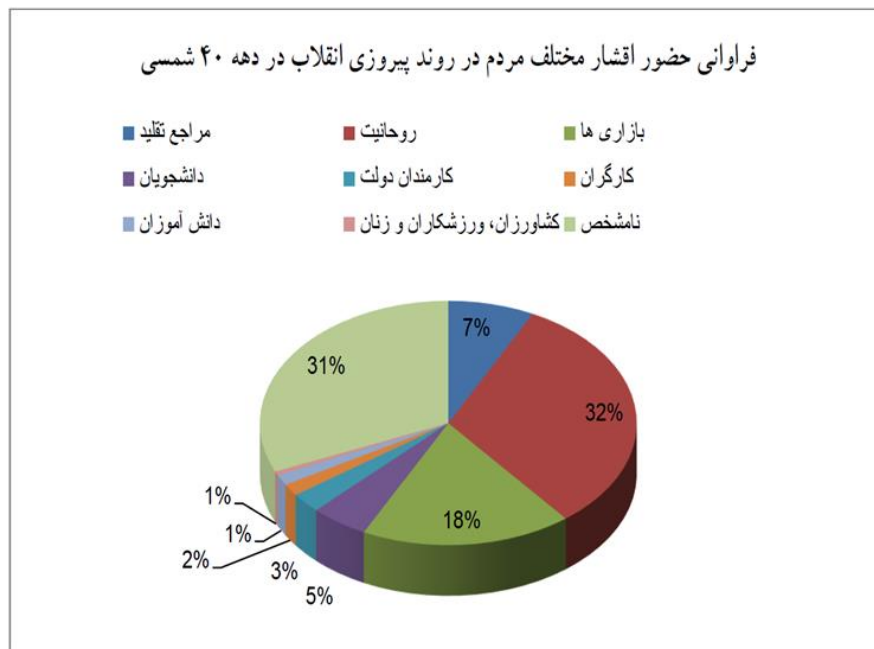
جدول ۱: مصادیق موارد کدگذاری شده

مراجع تقلید	آیت الله - بیوت مراجع - اسامی خاص مراجع تقلید: گلپایگانی - نجفی مرعشی
روحانیت	طلبه - شیخ - واعظ - مدرسه علمیه - امام جماعت
بازاری	تاجر - کسبه - پیشه ور - اسامی مشاغل آزاد: آهنگر - نانوا - خواروبار فروش و...
کارمند دولت	استادان - معلمان - کارمندان
دانشجو	دانشجویان - محصل
کارگر	شاگرد - دستفروش
دانش آموز	مدرسه - دبیرستان - محصل
کشاورز	دهقان
زن	نسوان

۳- اقشار مختلف مردم در روند پیروزی انقلاب

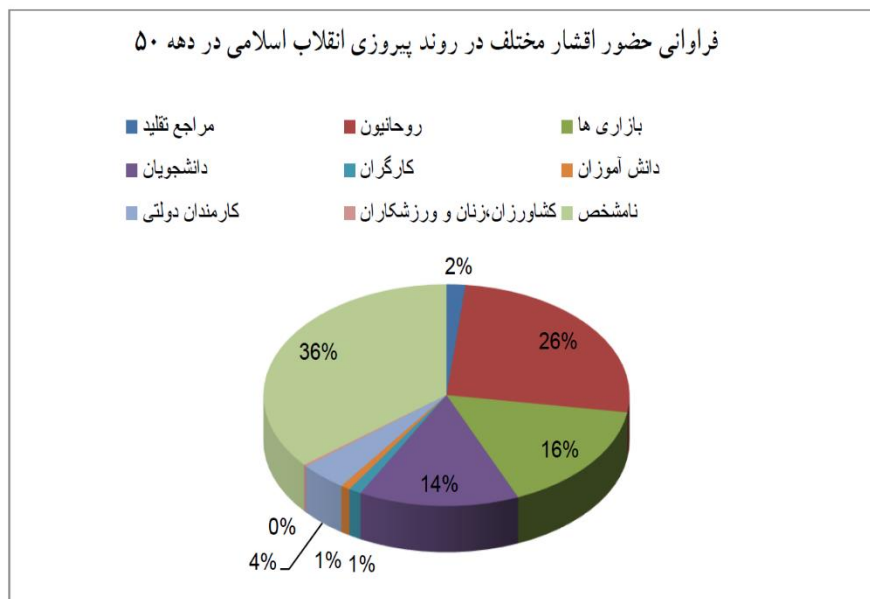
۳-۱. وضعیت کلی حضور اقشار مختلف در دو دهه تحولات انقلابی

بر اساس نتایج بدست آمده، بدنه روحانیت با ۴۶۲ مورد سند، بیشترین میزان حضور در روند تحولات انقلابی در دهه ۱۳۴۰ شمسی را به خود اختصاص داده‌اند. پس از آنها اسنادی که هویت سندی مشخصی ندارد با ۴۵۶ مورد قرار دارد. بازاری‌ها با ۲۶۲ سند در جایگاه سوم قرار دارند. پس از آنها مراجع تقلید با ۱۰۷ سند قرار گرفته‌اند. دانشجویان با ۷۲ مورد در جایگاه بعدی هستند. کارمندان دولتی با ۳۸، کارگران ۲۳، دانش آموزان ۲۰، کشاورزان، ورزشکاران و زنان با ۸ مورد به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.



در دهه ۱۳۵۰ ش به طور محسوسی میزان اسناد مربوط به فعالیت‌های مردمی کاهش یافته است. شاید مهمترین دلیل این امر، افزایش ضریب قدرت ساواک و تسلط بیشتر آن بر جامعه بود که منجر به شناسایی، دستگیری و نهایتاً زندانی و تبعید انقلابیون گردید. با این حال در این دهه سهم اسنادی که هویت طبقاتی آن مشخص نشده، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است که این امر با توجه به قدرت و نفوذ ساواک که پیشتر گفته شد، طبیعی به نظر می‌رسد، چرا که تلاش بیشتری صورت می‌گرفت تا فعالیت‌های انقلابی علیه حکومت با مخفی‌کاری و محافظه‌کاری همراه باشد. سایر اسنادی که هویت طبقاتی و قشری آن توسط ساواک شناخته شده بود، بدین ترتیب بود: روحانیون بیشترین میزان فعالیت را به انجام رساندند به گونه‌ای که ۹۳ مورد از اسناد به آنها اختصاص یافته است. بازاری‌ها و دانشجویان سهم فعالیتشان به یکدیگر نزدیک شده بود و به ترتیب با ۵۸ و ۵۱ مورد سند در مورد آنها انتشار یافته بود. کارمندان دولت ۱۵ سند، مراجع تقلید ۶،

کارگران ۴، دانش آموزان ۳، کشاورزان، زنان و ورزشکاران ۱ مورد سند در رده‌های بعدی قرار گرفتند.



۲-۳- حضور اقشار مختلف مردمی در روند تحولات انقلاب به تفکیک:

۱-۲-۳. جامعه روحانیت

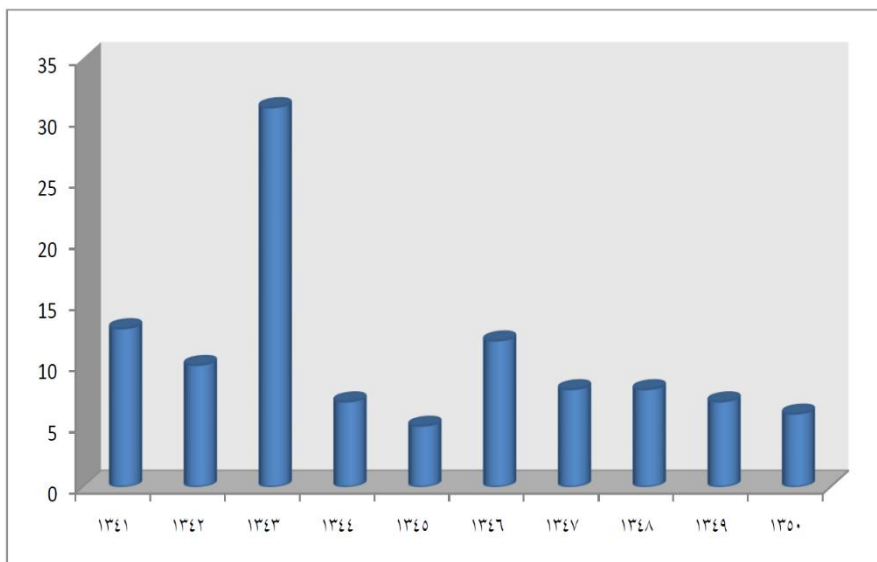
روحانیان در قرن بیستم و حتی پیش‌تر از آن در قرن نوزدهم برای نقش آفرینی‌های سیاسی به خوبی آماده بودند. این قشر که به امور سیاسی کشور وقوف کامل‌تری داشتند، توانستند بسیاری از جریان‌ها را هدایت کنند. نقطه‌ی شروع، جنگ‌های ایران و روس بود که باعث متشکل‌تر شدن روحانیون و اعتلای جایگاه سیاسی و اجتماعی آن‌ها شد. (نفیسی، ۱۳۴۴: ۷۰) این روند ادامه یافت تا عصر پهلوی دوم که تأثیری گذاری آنان بر دو جریان سبب موفقیت آن گردید: جریان ملی شدن صنعت نفت و دیگری قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و نهایتاً پیروزی انقلاب اسلامی.

۱-۱-۲-۳. مراجع تقلید

مراجع به خاطر داشتن مقلدینی در یکی از مناطق یا با حضور در یکی از حوزه‌های علمیه تأثیرات مختلفی داشتند. شیوه ی برخورد با رژیم یا خصلت مبارزاتی نیز بر سطح و عمق این تأثیرات بسیار متفاوت بود، ولی در مجموع عملکرد مرجعیت ایران تأثیر گذار و کامل کننده ی یکدیگر بود. مراجع این دوران عبارت بودند از آیات عظام: گلپایگانی، نجفی مرعشی، شریعتمداری، میرزا هاشم آملی، حاج سید صادق روحانی، سید محمد وحیدی، حاج شیخ مرتضی حائری، خوانساری، میلانی، قمی، سید علی بهبهانی و محلاتی.

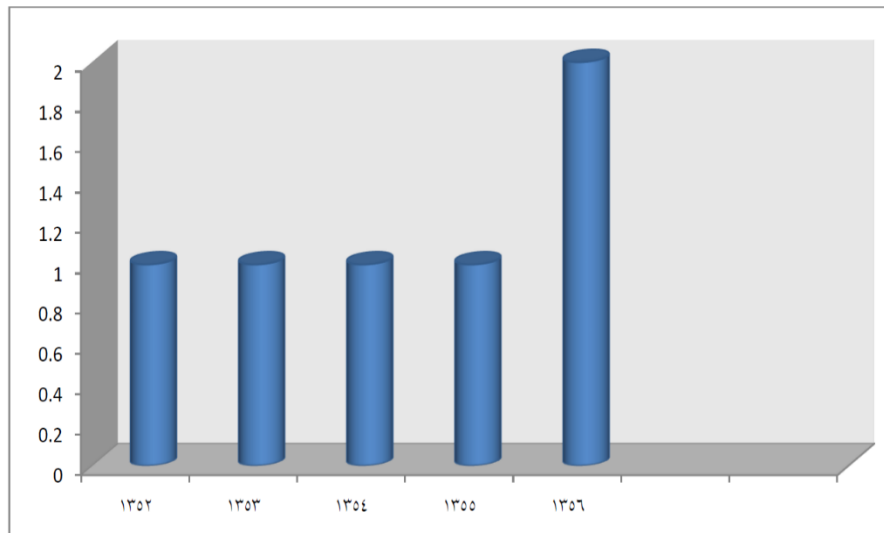
در واقع مراجع در غیاب امام خمینی که در تبعید بود، هر کدام با توجه به موقعیت، خاستگاه و بینش و خصلت‌های شخصی، نقشی را ایفاء کردند که در مجموع مبارزه ی پیوسته ای را تشکیل داد که توانست همه طبقات و اقشار جامعه را با تمام تفاوت‌های ذهنی، بینش‌ها و خصلت‌ها، تحت چتر مبارزاتی خود قرار دهد. آنان قشر عظیمی از توده‌های معمولی را تحت تأثیر قرار می دادند و اندیشه سازان مبارز، قشری از دانشجویان و طبقه تحصیل کرده را در صحنه مبارزه تغذیه می کردند. (حسینیان، ۱۳۸۷: ۷۳۰)

در دهه ۱۳۴۰ بیشترین مورد به کارگیری این مفهوم و مشتقات آن در اسناد مربوط به سال ۱۳۴۳ است. در این سال بود که دولت علم، امام خمینی را به تبعید فرستاد، بنابراین علما و مراجع تقلید به تکاپو افتادند. از جمله مهمترین اقدامات علما در این دوره برگزاری جلسات برای بررسی نحوه برخورد با مسأله تبعید امام بود: «آقایان شیخ بهاء الدین محلاتی و سید عبدالحسین دستغیب و سید مجدالدین مصباحی در مسجد جامع عتیق مجلسی منعقد نمودند که آنهم عده مختصر در مجالس مذکور شرکت نمودند در نتیجه مراقبت مأمورین هیچ گونه تظاهراتی هم به عمل نیامده است». (امام در آینه اسناد، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۷۶) همچنین رسیدگی به امور طلاب مقلد امام، از دیگر اقدامات آنان بود: «برابر اطلاع، حاج شیخ مرتضی حائری یزدی که از نزدیکان خمینی می باشد، قرار است به تهران آمده و ضمن تماس با علماء تهران و بازاری‌ها جهت شهریه طلاب طرفدار خمینی پول جمع آوری نماید». (سیر مبارزات امام به روایت اسناد، ۱۳۸۶، ج ۹: ۲۳۳)



نمودار ۱: فراوانی مشارکت مراجع تقلید در نهضت امام خمینی (ره) در دهه ۱۳۴۰ شمسی

اما در دهه ۱۳۵۰ فعالیت‌های مراجع تقلید محدود گشت. از جمله علل این محدودیت: تبعید امام خمینی و آیات دیگر همچون آیت الله سید حسن قمی (جعفریان، ۱۳۸۹: ۴۱۰)، جدا شدن برخی علما از نهضت امام خمینی (ره) و بعضاً همکاری و همراهی با رژیم؛ تغییر سیاست سخت علما با رژیم به سیاست نرم که با هدف حفظ حوزه‌های علمیه صورت می‌گرفت. با همه این اوصاف در دهه ۱۳۵۰ شمسی نیز آیات عظام گلپایگانی و مرعشی نجفی با سیاست‌های ضد اسلامی رژیم به مبارزه برخاستند. ایشان با طرح ایجاد دانشگاه اسلامی در جوار حوزه علمیه قم، مصوبه مجلس دائر بر تغییر کاربری اراضی موقوفه و حزب رستاخیز و قدرت‌گیری بهائیت مخالفت کردند. (آیت الله گلپایگانی به روایت اسناد، به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵، ج ۳: ۶۷؛ آیت الله مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۳: ۱۳۰. ۱۳۵ و ۱۶).



نمودار ۲: فراوانی مشارکت مراجع تقلید در دهه ۱۳۵۰ شمسی

۲-۱-۲-۳. طلاب و روحانیت

روحانیان دست کم به دو گروه اکثریت مخالف و اقلیت ساکت و گاه سازش کار در برابر حکومت پهلوی تقسیم می‌شدند. (نقیب زاده و امانی زوارم، ۱۳۸۲: ۱۰۷) دسته اکثریت مخالف به چند طریق در سازماندهی و بسیج توده‌ها نقش آفرینی داشتند:

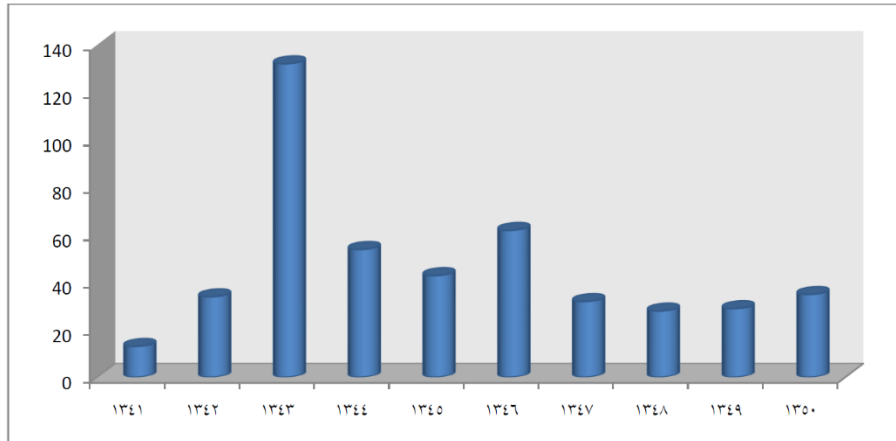
- ۱- از طریق مساجد: مساجد از دیرباز عامل اصلی بسیج اقشار مختلف مردم برای اعلام برائت از حاکمان و تصمیمات آنان بوده است. (اشرف، ۱۳۶۱: ۷۲) برای نمونه: «موضوع: روحانیون کرمانشاه: ۱۰ ماه پیش که اینجانب مأموریت شهربانی‌های استان پنجم را عهده دار شدم متوجه گردیدم که در مسجد مرحوم بروجردی طرفداران خمینی در شب‌های جمعه و ایام سوگواری اجتماع نموده قبل از آغاز وعظ و بعد از آن به طور علنی به خمینی دعا می‌نمایند و جمعیت نیز آمین می‌گویند. بعد از مدتی که خمینی از ترکیه به عراق منتقل گردید روی پارچه سبزی با خط سفید ورود او را تبریک گفته و در مسجد نصب نمودند». (امام در آئینه اسناد، ۱۳۸۳، ج ۴: ۴۵)

۲- از طریق اطلاع رسانی و آگاه کردن مردم که شامل پخش اعلامیه، رساله امام خمینی، پوستر و سایر موارد: «شخصی به نام سید تقوی که از طلاب قم بوده و در مدرسه فیضیه حجره ۳۵ سکونت دارد، در یک مذاکره خصوصی به یکی از دوستانش اظهار داشت جزوه سخنرانی خمینی تهیه شده، من پنج جلد از محمد مصطفوی گرفته ام و دو جلد از آنها را به دوستش داد». (سیر مبارزات امام، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۱۳۶)

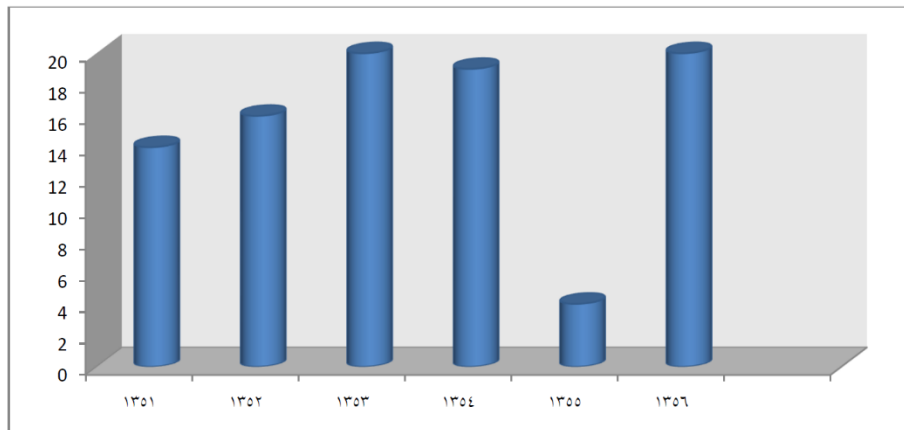
۳- مراسم مذهبی: عزاداری‌ها و اعیاد: «..شب گذشته پس از نماز مغرب و عشاء در مسجد بالاسر به سرپرستی آشیخ فضل الله قزوینی دعای توسل برقرار بود ۲ نفر از طلاب بین دعای توسل ذکر مصیبت نموده نسبت به آقای خمینی و آقا زاده اش دعا کرده به خائنین مملکت نفرین» (امام در آینه اسناد، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۲۹)

۴- فعالیت در خارج از کشور: «مسافرت سید عبدالرضا حجازی به خارج از کشور: در مورخه ۱۳۵۲/۳/۵ در بیروت وارد و در هتل مدیترانه اقامت نموده. نامبرده پس از دو روز توقف با سید موسی صدر ملاقات نموده و اظهار داشته که نامبرده از لحاظ فکری و اجتماعی شخصیت فوق العاده ای دارد و محبوب طبقات لبنان است». (سیر مبارزات امام، ۱۳۸۶، ج ۱۰: ۲۰۲)

بر اساس داده‌های تحقیق، بیشترین فعالیت طلاب در دهه ۱۳۴۰، در سال ۱۳۴۳ زمان تبعید امام خمینی بود. بعد از آن در سال ۱۳۴۶ بیشترین میزان اسناد درباره آنان دیده می‌شود. در دهه ۱۳۵۰ نیز سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۶ اوج فعالیت‌های آنان پیش از فراگیری نهضت بوده است.



نمودار ۳: فراوانی حضور بدنه روحانیت در نهضت امام خمینی در دهه ۱۳۴۰ شمسی



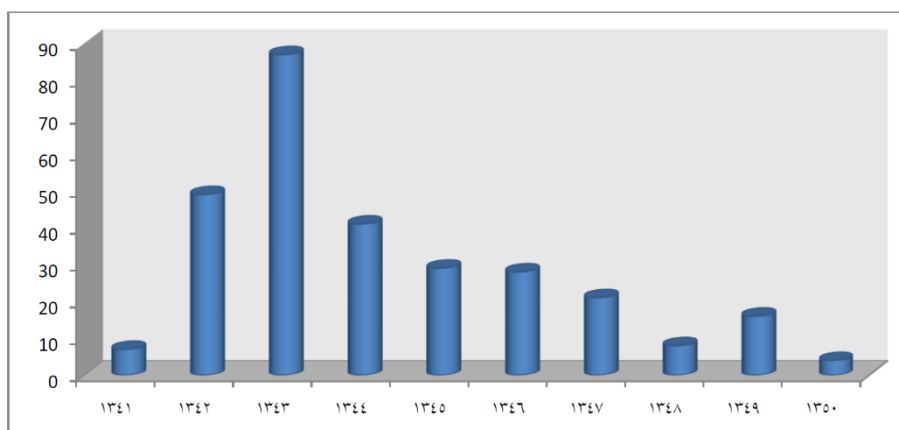
نمودار ۴: فراوانی مشارکت بدنه روحانیت در دهه ۱۳۵۰ شمسی

۲-۲-۳. بازاری‌ها (تجار ، کسبه، خرده فروشان)

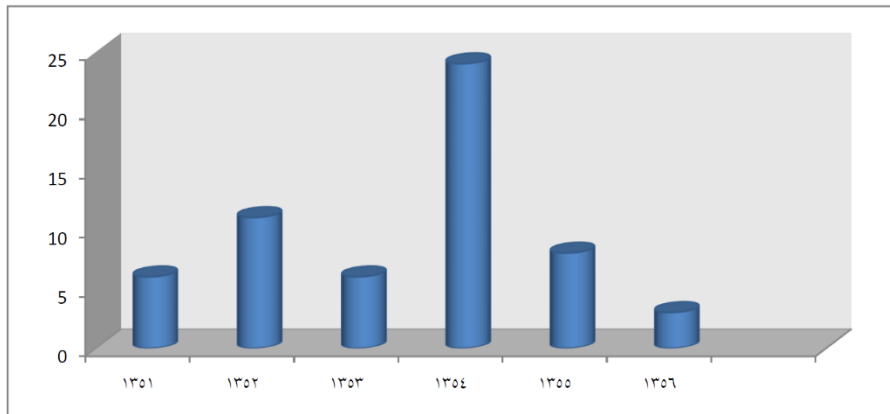
در طول تاریخ ایران در هر اعتراض علیه حکومت، بازار نقش مهمی داشته است. وقتی در شهر شایع می‌شد: «دکانها را بسته‌اند» چنین برداشت می‌شد که اعتراضی در بین است. در واقع اعتصاب بازار به مانند یک شبکه‌ی خبری در دوران عدم وجود وسایل ارتباط جمعی عمل می‌نمود، چرا که بسته شدن بازار به مفهوم رسیدن

خبر آن از طریق هزاران مغازه سطح شهر به مردم عادی بود. تعطیلی بازار در کار غیرسیاسی‌ترین افراد نیز اختلال ایجاد نموده و آنها را به کم و کیف موضوع کنجکاو می‌کرد. در دوران وجود وسایل ارتباط جمعی نیز اعتراض بازار اغلب پرده از روی بعضی جریان‌ها برمی‌داشت چون در شرایط اختناق، جراید و رادیو و تلویزیون سانسور می‌شدند. (رهبری، ۱۳۸۴: ۴۳) با این توصیفات و با توجه به سیاست‌های رژیم شاه مبنی بر نوسازی به سبک غربی و ترویج ابتدال و بی بند و باری در جامعه و تحت فشار قرار گرفتن اقشار مذهبی به ویژه بازاریان این امر موجب نزدیکی بیشتر این دو نهاد گردید. این اتحاد باعث شد که بازار به عنوان یک نهاد سنتی، نقش به سزایی چه از لحاظ مالی و اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی ایفا کنند.

اگرچه در برخی از تحقیقات بازار تهران پیشگام قیام و اعتصاب در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ معرفی شده است، (روحبخش، ۱۳۸۱: ۴۳) با این حال بر اساس این اسناد بیشترین فعالیت بازاریان در سال ۱۳۴۳ و پس از تبعید امام خمینی (ره) صورت گرفته است. بر اساس نمودار ذیل، بیشترین میزان مشارکت بازاری‌ها در روند نهضت به دو سال ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ اختصاص دارد. در دهه ۱۳۵۰ نیز این فعالیت بیشترین اسناد مربوط به سال ۱۳۵۴ است که بی شک ارتباط آن با سرکوب سالگرد قیام ۱۵ خرداد در قم را می‌رساند.



نمودار ۵: فراوانی حضور بازاریان در نهضت امام خمینی در دهه ۱۳۴۰ شمسی

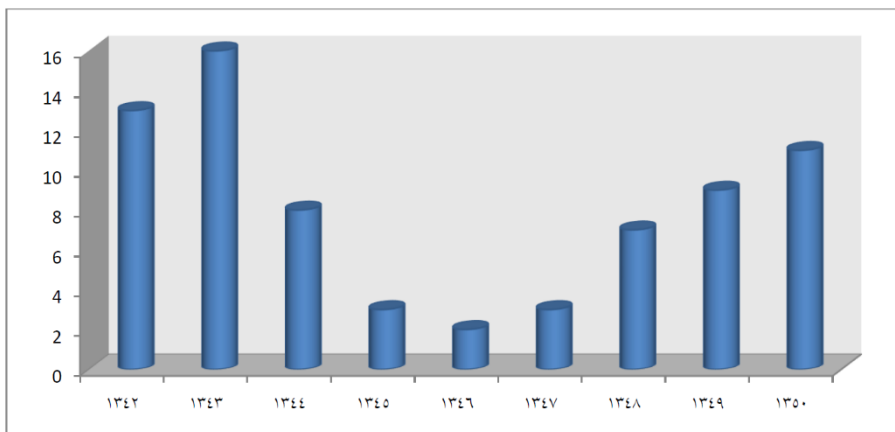


نمودار ۶: فراوانی حضور بازاریان در نهضت امام خمینی در دهه ۱۳۵۰ شمسی

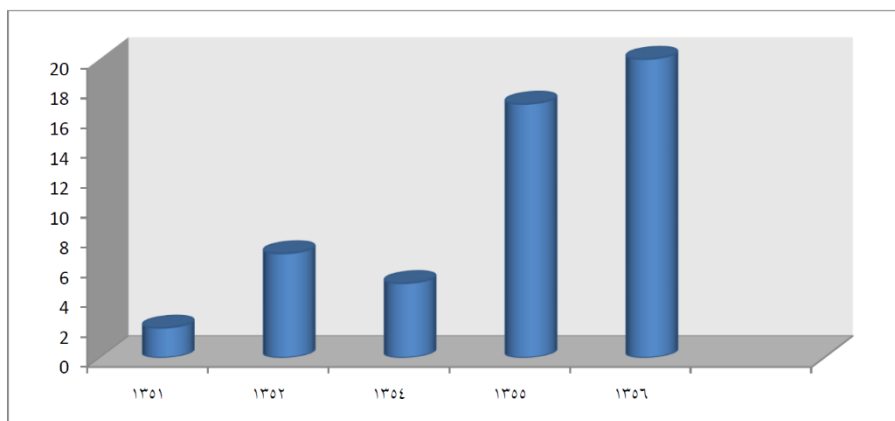
۳-۲-۳. دانشجویان

یکی از تشکیلاتی که با سازماندهی جوانان نقش بزرگی را در مسیر نهضت اسلامی امام خمینی ایفا کرد، تشکیلات دانشجویی بود. همسویی دانشجویان با تحولات جامعه ایران و حضور آنان در اکثر مراکز آموزش عالی به ویژه در سال‌های آخر عمر حکومت پهلوی، نقش و جایگاه فعال آنان در نهضت اشاره دارد. بیشتر دانشجویان خواستار ایجاد دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک در نظام حکومت پهلوی بودند. ایجاد مراکز، کانون‌ها و کتابخانه‌های اسلامی که نوعی بازگشت به ارزش‌های دینی بود، بیانگر مطالبات دانشجویان در جریان مبارزات مردمی بود. (میزبانی، ۱۳۸۳: ۱۶۷)

همراهی دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی با روحانیت و حضرت امام (ره) با وجود فعالیت گروه‌های مختلف چپ و راست و پیوستن به صف مبارزات مردمی نشان از درک و آگاهی بالای دانشجویان از روند مبارزات داشت. امام خمینی (ره) با اشاره به فعالیت‌های دانشجویان در نهضت، فرمودند: «جوانان دانشگاهی بودند که با قیام خود رژیم منحوس پهلوی را به عقب‌نشاندن و دست‌مفتخواران را قطع نمودند». (صحیفه نور، ۱۳۷۰، ج ۶: ۱۸۹)



نمودار ۷: فراوانی حضور دانشجویان در نهضت امام خمینی دهه ۱۳۴۰ شمسی

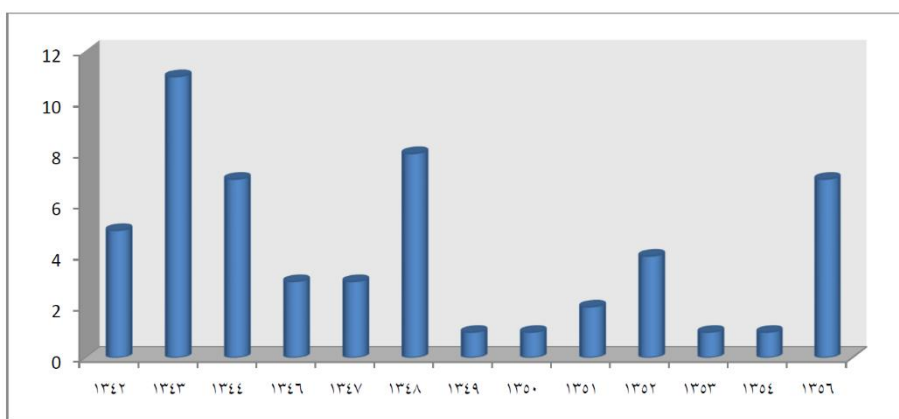


نمودار ۸: فراوانی حضور دانشجویان در نهضت امام خمینی دهه ۱۳۵۰ شمسی

۳-۲-۴. کارمند دولت

این قشر که معمولاً از آنها با عنوان «طبقه متوسط جدید» یا «طبقه متوسط حقوق بگیر» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۳۳) یاد می‌شود، عمدتاً شامل: کارمندان دولتی، پرسنل نظامی و تکنسین‌های بخش خصوصی و روشنفکران بودند. اعضای این طبقه، کنش

گران اصلی در ایجاد و نوسازی حکومت در دوران پهلوی به شمار آمده‌اند. با این حال فقدان فرصت برای مشارکت سیاسی معنادار به خصوص در دو دهه آخر حکومت پهلوی موجب دلسردی، نارضایتی و در نهایت مخالفت فعالانه با رژیم در بین بسیاری از اعضای این طبقه شد. (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۶: ۸۶) علی رغم وابستگی‌های این قشر به دولت، حضور فعالانه آنان در نهضت امام خمینی (ره) به ویژه در دهه ۱۳۴۰ و پس از تبعید امام خمینی (ره) قابل توجه است.



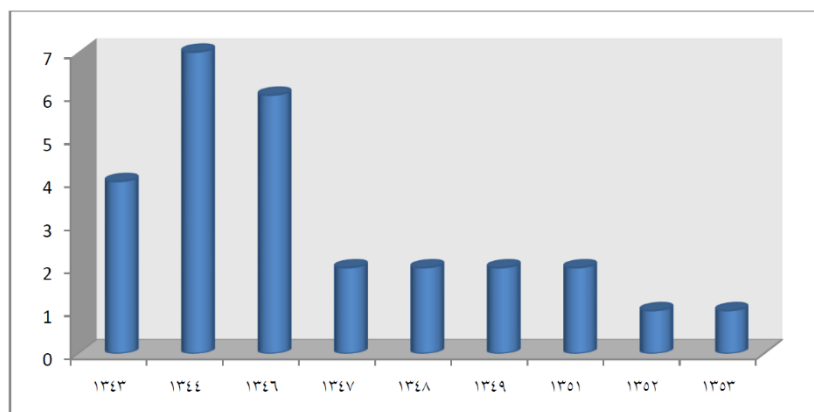
نمودار ۹: فراوانی حضور کارمندان دولتی در نهضت امام خمینی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی

۳-۲-۵. کارگران:

حکومت پهلوی به پشتوانه درآمدهای نفت و انباشت ثروت حاصل از آن، جهت تضمین کارگران، امکانات و برنامه‌های بسیاری را در نظر گرفته بود، از جمله، برنامه‌هایی همچون اصل سهام شدن کارگران در سود کارخانه‌ها، گسترش مالکیت‌های تولیدی، پرداخت وام، تهیه مسکن و افزایش بیمه‌های بهداشتی را می‌توان برشمرد. (گراهام، ۱۳۵۸: ۱۰۸) با این همه ورود کارگران به عرصه انقلاب و بیان مطالبات اقتصادی، رفاهی و دینی عکس این قضیه را به اثبات رساند. در واقع برای کارگران، مذهب جزء جدایی ناپذیر حیات اجتماعی و فرهنگی‌شان محسوب می‌شد. طبق یک تحقیق میدانی، در میان کارگران تهرانی، رفتن به مسجد در

میان دیگر موارد گذران اوقات فراغت، از اهمیت بیشتری برخوردار بود. (جوادی نجار، ۱۳۵۳: ۶۹)

اگر چه کارگران به معنای صنعتی آن، دیرتر از سایر قشرها به صف انقلابیون پیوستند (معدل، ۱۳۸۲: ۱۴۳)، اما مراد از قشر کارگر در این پژوهش، صرفاً کارگران صنعتی (پرولتاریا) نیست، بلکه شامل طیفی از مزدبگیران که شامل کارگران صنعتی، دستفروشان، شاگردان مغازه و... می‌شود. با این همه در ارتباط با حضور کارگران در انقلاب آصف بیات در کتاب کارگران و انقلاب ایران، با استفاده از داده‌های دست اول و دست دوم، مراحل مختلف مشارکت کارگران را از تابستان ۱۳۵۷ تا پیروزی انقلاب بررسی کرده و به دوره زمانی این پژوهش نپرداخته است (بیات، ۱۹۸۷)؛ بنابراین عمده فعالیت‌های این قشر در دو دهه پایانی حکومت پهلوی تا آغاز اعتصابات گسترده، بر عهده شاگردان مغازه و دستفروشان بود.

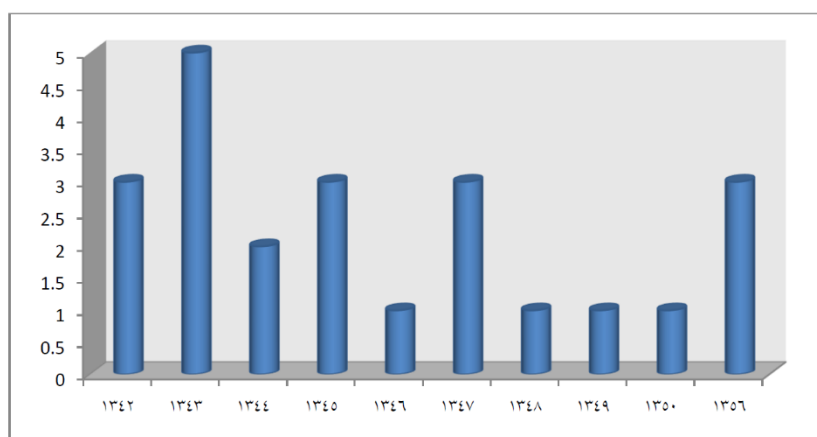


نمودار ماره ۱۰: فراوانی حضور کارگران در نهضت امام خمینی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی

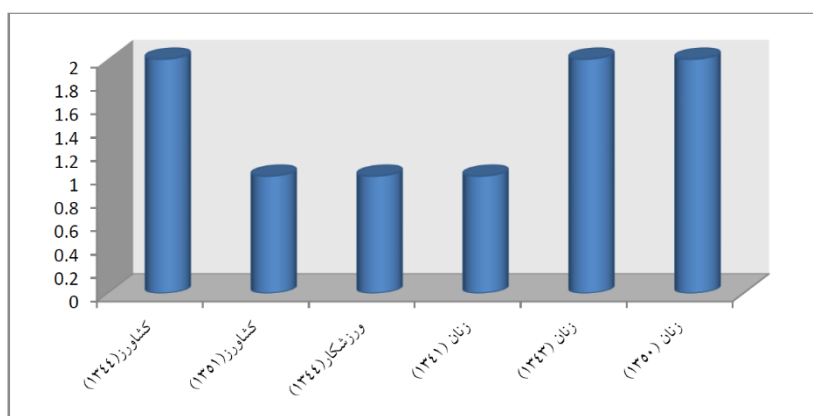
۳-۲-۶. دانش آموزان، کشاورزان، ورزشکاران، زنان:

کمترین میزان مشارکت گروه‌های مردمی در میان اسناد شهربانی و ساواک متعلق به دانش آموزان، زنان، کشاورزان و ورزشکاران بود. این اقشار بر اساس این اسناد

بیشترین فعالیتشان در سال‌های ۱۳۴۳ یعنی سال تبعید امام خمینی (ره) و همچنین سال ۱۳۵۶ بود.



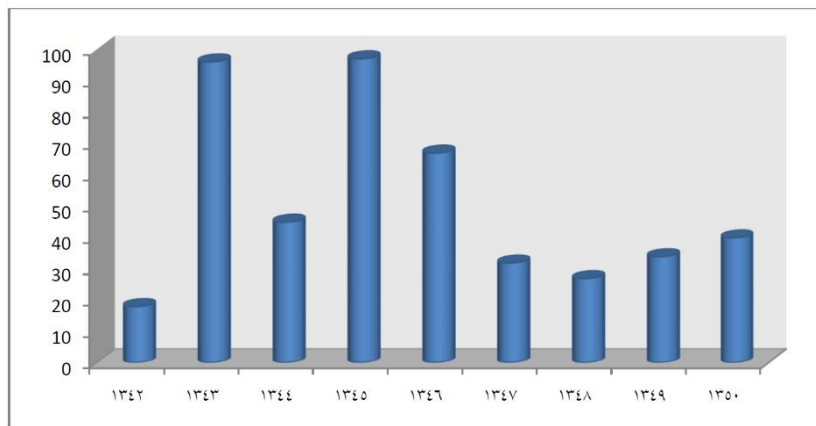
نمودار ۱۱: فراوانی حضور دانش آموزان در نهضت امام خمینی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی



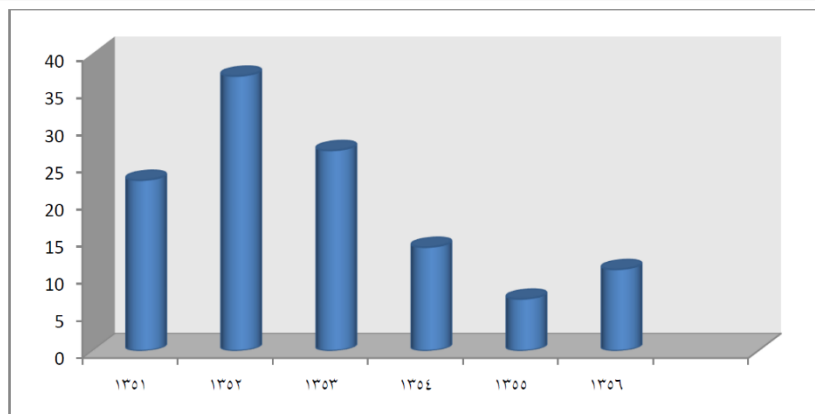
نمودار ۱۲: فراوانی حضور زنان ، ورزشکاران و کشاورزان در نهضت امام خمینی (ره)

۷-۲-۳. نامشخص (بدون تعیین پایگاه اجتماعی و شغلی)

همان طور که قبلاً اشاره شد، بخشی از اسناد بدون تعیین هویت فردی و اجتماعی اشخاص است، بنابراین می‌توان حضور هر قشری در این اسناد را متصور شد.



نمودار ۱۳: فراوانی حضور افراد بدون تعیین شغل و پایگاه اجتماعی در نهضت امام خمینی دهه ۱۳۴۰ ش



نمودار ۱۴: فراوانی حضور افراد بدون تعیین شغل و پایگاه اجتماعی در نهضت امام خمینی دهه ۱۳۵۰ ش

نتیجه‌گیری

بی‌تردید عمق و ابعاد تأثیر اقشار مختلف مردمی در روند پیروزی انقلاب اسلامی را صرفاً نمی‌توان در میان اسناد ساواک جستجو کرد و این اسناد فقط دلالتی بر برخی موضوعات است و گوشه‌هایی از نوع رابطه اقشار مختلف مردم با امام خمینی (ره) رهبر نهضت اسلامی را نشان می‌دهد. تغییر در نگرش و آگاهی توده‌ها و اقشار مختلف مردم برای مشارکت سیاسی همراه با تغییر ساختار اجتماعی، آنها را به سوی نقش‌آفرینی در روند پیروزی انقلاب سوق داد. بیشترین میزان مشارکت طبقات اجتماعی به ترتیب به جامعه روحانیت (بدنه روحانیت و مراجع تقلید) و بازاری‌ها اختصاص داشت، پس از آنها، با وقفه زمانی اندک، دانشجویان و قشر دانشگاهی قرار داشتند و بالاخره طبقه متوسط جدید و کارگران صنعتی نیز در مراحل پایانی به انقلاب پیوستند. اسناد ساواک و شهربانی همچنین نمایانگر آن است که قشرهای مختلف مردم بیشترین میزان فعالیت را پس از واقعه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۰ و در سال بعد آن یعنی ۱۳۴۳ و در زمان تبعید امام خمینی (ره) انجام دادند. در حقیقت آن اقشاری از مردم که در قیام ۱۵ خرداد حضور کمتری داشتند و از شناخت اندکی نسبت به این واقعه برخوردار بودند، در سال بعد به گواهی اسناد مذکور به نهضت امام خمینی (ره) پیوستند. هر چند تحلیل محتوای اسناد حکایت از کاهش فعالیت مبارزین انقلابی در دهه ۱۳۵۰ دارد که نتیجه دستگیری‌ها، زندانی و تبعید به دست عمال رژیم بود، اما همین تعداد اندک موارد موجود نیز در این سال‌ها عدم انقطاع مبارزه را تا آغاز قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ به اثبات می‌رساند.

منابع و مأخذ

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۷۷) *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی، نشر نی.
- *امام خمینی در آینه اسناد، سیر مبارزات امام خمینی (س) به روایت اسناد شهربانی*. (۱۳۸۳) مجلدات ۱ تا ۵، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- *آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۸۸). ج ۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.

- اشرف، احمد؛ بنوعیزی، علی. (۱۳۸۶). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- اشرف، احمد. (۱۳۶۱). *مراتب اجتماعی در دوران قاجار*. تهران: آگاه.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۹). *جریان‌ها و سازمان‌های سیاسی - مذهبی از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی*. تهران: علم.
- جوادی نجار، زهرا (۱۳۵۳) «بررسی نحوه گذران فراغت کارگران کارخانجات تهران»، پایان نامه دوره کارشناسی جامعه شناسی، دانشکده تعاون و علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- حسینیان، روح الله. (۱۳۸۷). *چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- *حضرت آیات الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک*. ۱۳۸۵، ج ۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- روحبخش، رحیم، ۱۳۸۱، *نقش بازار در قیام ۱۵ خرداد*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رهبری، مهدی، ۱۳۸۴، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران*. بابلسر: دانشگاه مازندران.
- *سیر مبارزات امام خمینی در آئینه اسناد به روایت اسناد ساواک*. مجلدات ۹ تا ۱۳، تهران: عروج.
- *صحیفه نور*. (۱۳۷۰) ج ۶، تهران: سازمان مدارک فرهنگی.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۰). *طبقات اجتماعی و رژیم شاه*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گراهام، رابرت. (۱۳۵۸). *ایران سراب قدرت*. ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: سحاب کتاب.
- گلدستون، ج. (۱۳۹۲). *مطالعه تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*. تهران: کویر.
- معدل، منصور. (۱۳۸۲). *طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران*. ترجمه محمدسالار کسرائی، تهران: باز.
- میزبانی، مهناز. (۱۳۸۳). *نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*. تهران: بیناد.
- نقیب زاده، احمد و امانی زوارم (۱۳۸۲). *نقش روحانیت شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- Bayat, Asef (1987). *workers and revolution in Iran*. London and New jersi.